



Research Paper

Analyzing the Ecological Discourse of Children and Adolescent literature: A Study of *A Ball on the Water* and *My Grandfather's Simorgh*

Arash Mehraban

Master student of Persian language and literature, University of Zabul
(Corresponding Author)
(arashmehraban.lite@gmail.com)

Faezeh Arabyousef Abadi

Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Zabul
(famoarab@uoz.ac.ir)



10.22034/lda.2024.140547.1014

Received:

January, 18,
2024

Accepted:

March, 04, 2024

Available

online:

March, 04, 2024

Keywords:

Discourse analysis, ecological criticism, environment, literature for children and teenagers, *A Ball on the Water*, *my Grandfather's Simorgh*

Abstract

The second half of the 20th century coincided with the occurrence of environmental problems and concerns in the world, all of which were caused by the destructive activities of humans on nature. Such concerns led to the formation of environmental movements all over the world, all of which focused their efforts on protecting nature. In the meantime, new approaches were formed in literature that influenced literary and interdisciplinary researches. Eco-oriented criticism as one of these scientific approaches entered the field of interdisciplinary studies, and in literary works, environmental concerns and consequences of neglecting it, provided solutions to go out and preserve the environment. Children's and adolescent literature, as one of the important genres of literature, is no exception to this rule, and many poets and writers have brought environmental concerns into the realm of children's literature. The current research, with a descriptive and analytical method, investigated and analyzed how nature is represented in children's and adolescent literature, relying on *A Ball on the Water* and *My Grandfather's Simorgh*, and from the perspective of criticizing the way natural resources are consumed and used, the destructive effects of humans on the environment. Life, the need to maintain and create a balance between human development and nature protection as a God-given value, interactive relationships between humans and creatures based on human-centered views, the mentioned novels have been analyzed. The results of the research indicate that in both novels, the authors have tried to accommodate the environmental concepts in a children's story structure, which is effective in establishing the importance of the environment and its education in childhood.



مقاله پژوهشی

تحلیل گفتمان بوم‌گرایانه ادبیات کودک و نوجوان

مطالعه موردی (تژپیک له سر ناو، سیمرخ پدربزرگ من بود)

آرش مهربان (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل (arashmehraban.lite@gmail.com)

فائزه عرب یوسف آبادی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل (famoarab@uoz.ac.ir)



10.22034/lda.2024.140547.1014

چکیده

نیمه دوم قرن بیستم میلادی، مصادف بود با به وقوع پیوستن مشکلات و دغدغه‌های زیست محیطی در جهان که همگی ناشی از فعالیت‌های ویرانگر انسان در طبیعت بود. چنین دغدغه‌هایی به شکل‌گیری جنبش‌های زیست محیطی در سراسر دنیا انجامید که همه آن‌ها تلاش‌های خود را بر حفاظت از طبیعت، متمرکز کرده بودند. در این بین، رویکردهای جدیدی در ادبیات شکل گرفت که پژوهش‌های ادبی و بینارشته‌ای را تحت تأثیر قرار داد. نقد بوم‌گرا به عنوان یکی از این رویکردهای علمی وارد حوزه مطالعات بینارشته‌ای شد و در آثار ادبی به دغدغه‌های محیط زیست، عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به آن، ارائه راهکارها برای برون رفت، حفظ محیط زیست و... پرداخته شد. ادبیات کودک و نوجوان به عنوان یکی از انواع مهم ادبیات، از این قاعده مستثنا نبوده و شاعران و نویسندگان زیادی دغدغه‌های زیست محیطی را وارد قلمرو ادبیات کودک کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و به صورت تطبیقی، به بررسی و تحلیل چگونگی بازنمایی طبیعت در ادبیات کودک و نوجوان با تکیه بر تژپیک له سر ناو و سیمرخ پدربزرگ من بود، پرداخته و از منظرهای نقد نحوه مصرف و بکارگیری منابع طبیعی، تأثیرات مخرب انسان در محیط زیست، لزوم حفظ و ایجاد تعادل بین توسعه انسانی و حفاظت از طبیعت به عنوان ارزشی خدادادی، روابط تعاملی میان انسان و موجودات بر اساس دیدگاه‌های انسان‌محور، رمان‌های مذکور تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در هر دو رمان نویسندگان سعی کرده‌اند مفاهیم زیست محیطی را در ساختاری کودکانه بازگو کنند که خود در تثبیت لزوم اهمیت به محیط زیست و آموزش آن در کودکی اثرگذار است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۱۴

واژه‌های کلیدی:

گفتمان، نقدبوم‌گرا، ادبیات کودک و نوجوان، تژپیک له سر ناو، سیمرخ پدربزرگ من بود.

استناد: مهربان، آرش و فائزه عرب یوسف آبادی. (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان

بوم‌گرایانه ادبیات کودک و نوجوان مطالعه موردی: (تژپیک له سر ناو،

سیمرخ پدربزرگ من بود)»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۱ (۳)، ۸۷-۱۱۰.

۱. مقدمه و بیان مسأله

طبیعت و عناصر آن، نقش مؤثری در آفرینش و خلق هنر، رنگ، صدا و موسیقی داشته است. به طوری که می‌توان گفت، طبیعت خاستگاهی برای جلا بخشیدن به تفکر و احساس انسان‌های هنرمند بوده و در شکل‌گیری جوامع هنری تأثیر گذاشته است. در دوران پسامدرن، نگرانی‌های بی‌شماری من باب وضعیت اضطراری زمین و محیط زیست به وجود آمده که چنین امری ملاحظات زیست محیطی و گفتمان مربوطه آن را وارد حوزه مطالعات ادبی کرده است که می‌توان از آن با عنوان نقد بوم‌گرا یاد کرد. در این نقد، علی‌رغم سایر رویکردها، انسان، در محور امر قرار نگرفته است، بلکه بافت زیست محیطی انسان و ارتباط آن با وی حائز اهمیت است (پارساپور، ۱۳۹۲: ۹).

به وجود آمدن مشکلات و فجایع زیست محیطی در قرن بیستم، طرفداران محیط زیست و افرادی را که به طبیعت به عنوان ثروتی برای آیندگان و نسل‌های پیشین می‌نگرند، متوجه بازبینی افکار و رفتارهای تخریب‌گرایانه بشریت و بازنگری در دیدگاه‌های انسان‌مدارانه کرده است. یکی از جلوه‌های بازبینی رشد پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به محیط‌زیست در حوزه‌های علوم انسانی، از جمله ادبیات بود. با تحلیل بوم‌گرایانه آثار ادبی می‌توان پیوند محیط زیست و انسان را بررسی و تبیین کرد. هر چند عشق به طبیعت در هیچ ژانر ادبی به اندازه شعر جلوه و برجستگی پیدا نکرده است؛ با این حال بازتاب اینگونه بحران‌های زیست محیطی در رمان ردپای بیشتری دارد. به همین خاطر می‌توان از رمان به عنوان مهم‌ترین ابزار برای انعکاس فجایع و دغدغه‌های زیست محیطی نام برد (سجادی، ۱۳۹۸: ۳۲).

با توجه به بستری که ادبیات کودک و نوجوان در راستای انتقال مفاهیم تربیتی، آموزشی و سرگرمی برای قشر کودک و نوجوان فراهم می‌آورد، انتقال مفاهیم زیست محیطی در قالب ادبیات کودک و نوجوان، می‌تواند زمینه‌ساز پیشبرد اهداف زیست محیطی در ذهن کودک و نوجوان شود. با توجه به این مقوله می‌توان گفت چنانکه اگر تمایل داشته باشیم جهان ایمن و سالمی را به کودکان انتقال دهیم و از آن‌ها محافظت کنیم، ضروری است موضوعات زیست محیطی را بیشتر مورد توجه قرار داده و از بسترهای آموزشی در این زمینه، نهایت استفاده را ببریم (Bhalla, 2012: 10).

پژوهش حاضر بر چند پرسش اساسی متمرکز شده است. بازتاب و بازنمایی مسائل و مفاهیم زیست محیطی در قالب متون ادبی کودک و نوجوان از طریق چه سازوکارهایی

رسالت آموزشی و تربیتی خود را ایفا می‌کند و اینکه محیط زیست و طبیعت در تکوین هر اثر ادبی چه نقش‌هایی دارند؟ و همزمان هر اثر ادبی چه دیدگاهی نسبت به محیط زیست عرضه می‌کند؟ به تعبیر دیگر محیط زیست در این آثار ادبی چگونه بازنمایی شده است؟ به همین منظور با آوردن دو رمان کودک و نوجوان به زبان‌های کردی و فارسی، مفاهیم بوم‌گرایانه موجود در این دو اثر به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم زیست محیطی موجود در رمان‌ها بر اساس نقد بوم‌گرا تحلیل شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در عرصه جهانی ادبیات، در حوزه نقد بوم‌گرا فعالیت‌های زیادی صورت گرفته است. برای بسیاری، جنبش محیطی در ادبیات کودکان در سال ۱۹۷۱ با کتاب دکتر سوس (Dr. Seuss) آغاز شده است. این کتاب به بررسی و مطالعه محیط‌های آموزشی از مقاطع پایین درسی تا مقاطع بالا و دانشگاهی پرداخته و توانسته است مبنایی برای فعالیت تئوری در این حوزه پایه‌ریزی کند. خبرنگار نگارش طبیعت در بهار سال ۱۹۹۵ یکی از شماره‌هایش را به مبحث "ادبیات کودکان و محیط زیست" اختصاص داده است. همچنین فصلنامه ادبیات کودکان در زمستان ۱۹۹۴-۱۹۹۵ به سردبیری بتی گرینوی (Greenway, Betty) نیز به "اکولوژی و کودک" اختصاص دارد. Kenneth B. Kidd's *Wild Thing: Children's Culture and Ecocriticism* یکی از کتاب‌های مفید و آموزنده دیگری است که در پیوند با ادبیات کودکان و آگاهی از محیط زیست به نگارش درآمده است. این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی است که در پیوند با تأثیر متقابل متون کودکان-ادبی، چندرسانه‌ای، فرهنگی و تجربه محیطی کودکان است. این کتاب روش‌هایی را بررسی می‌کند که در آن متن و سایر شیوه‌های بازنمایی می‌توانند توسط طبیعت، مکان و بوم‌شناسی شکل بگیرند و می‌توانند تأثیر زیاد و نیروبخشی روی آگاهی کودکان بگذارند. در سال ۲۰۰۴ کتابی با نام فرهنگ کودکان و بوم‌شناسی به نگارش درآمد که در آن رابطه فرهنگ و طبیعت از طریق روابط کودکان و حیوانات، با موشکافی خاصی بر ذهنیت و عینیت حیواناتی که در روایات به تصویر کشیده شده است، به نمایش درآمده است. این کتاب روی ادبیات زیست محیطی کودکان، اکوفمنیسم و اکوپداگوژی تمرکز ورزیده است (Greta Gaard, 2008: 14).

کاملا پلات (Kamla Platt) در مقاله‌ای با عنوان "ادبیات کودکان، عدالت زیست محیطی: به تصویر کشیدن، دفاع و بزرگداشت درختان و پرندگان، رنگ‌ها و مردم" درک

اجماع از اکوکریتسیم را به چالش می‌کشد. این نویسنده همچنین خواندن کتاب‌های جذابی در حوزه عدالت زیست محیطی به کودکان پیشنهاد و ارائه می‌کند که می‌توان از طریق آن‌ها به فهم بیشتر مباحث اکولوژیکی و زیست محیطی کمک کرد.

توجه به مقوله نقد بوم‌گرا در ایران به سال ۱۳۷۸ با مقاله‌ای تحت عنوان "اکوکریستیزم" به قلم داود عمارتی‌مقدم برمی‌گردد که با معرفی کتاب گرتا گراد (Greta Grad) و با همین عنوان در فصلنامه نقد ادبی به چاپ رسید. بعد از آن محمد ناصر مودودی در سال ۱۳۹۰ مقاله‌ای با عنوان "نقد بوم‌گرا، جنبشی بین‌رشته‌ای محیط زیست و ادبیات" را به نگارش درآورد. بعدها با مقالات و ترجمه‌های زهرا پارساپور، نقد بوم‌گرا گسترش بیشتری پیدا کرد و رفته رفته وارد جوامع دانشگاهی شد و تألیفاتی در این حوزه نوشته شد. پارساپور در کتابی تحت عنوان اخلاق زمین، نقد متون عرفانی و ادبی با رویکرد اخلاق زیست محیطی (۱۴۰۰) همزمان با بررسی منابع متعددی در حوزه اخلاق، ادبیات و محیط زیست، نمونه‌هایی را در متون کلاسیک و معاصر آورده و مورد خوانش قرار داده است. پارساپور در این کتاب به این نتیجه رسیده که در ادبیات معاصر نمونه‌هایی از شعر و داستان وجود دارد که برخلاف سنت ادبی، طبیعت در آن‌ها فاقد شکل ایده‌آل و خیالی است. همچنین چنین تصویر ثابتی از طبیعت را به عنوان غفلت خواننده از مشکلات و دست‌انداзهای انسان در طبیعت می‌داند (پارساپور، ۱۴۰۰: ۵۶). از آثار دیگر پارساپور می‌توان به مجموعه مقالات انگلیسی درباره نقد بوم‌گر/ اشاره کرد که توسط ایشان گردآوری، ویرایش و روی آن مقدمه‌ای نگاشته شده است که در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.

در پیوند با منابع داخلی هم مقالاتی به نگارش درآمده‌اند که از آن‌ها می‌توان به دو مقاله از حسن‌پور و پارساپور (۱۴۰۱) با نام تحلیل گفتمان آگهی‌های بازرگانی بوم‌محور (مطالعه موردی: ایزی پیک، پایپا، کریستال کوالا، آیری پلاست) اشاره کرد که بر اساس روش توصیفی-تحلیلی به تبیین و تحلیل چهار آگهی بازرگانی که تأثیر مستقیمی روی محیط زیست می‌گذارند، پرداخته شده است. پژوهش به این نتیجه رسیده است که آگهی‌ها در قالب زبان و تصاویر به برساخت مصرف‌گرایی کمک می‌کنند. همچنین مصرف‌کنندگان در صدد فروش و تبلیغ محصول خود هستند بدون اینکه جوانب آن را مورد اهمیت قرار دهند و به غیر از آگهی «کریستال کوالا» بقیه موارد هیچ کمکی به محیط زیست نمی‌کنند و به اشکال مختلف طبیعت و بوم را به مخاطره می‌اندازند (حسن‌پور، پارساپور، ۱۴۰۱: ۱۰۷).

در مقاله‌ای دیگر از پارساپور و حسن‌پور (۱۴۰۱) تحت عنوان نقش ادبیات در تحولات گفتمان محیط‌زیستی همراه با معرفی مدل کاربردی سه‌گانه ادبیات به عنوان بوم‌شناسی فرهنگی، به سه نقش ادبیات در مواجهه با گفتمان‌های زیست محیطی پرداخته شده است که با نقد و بررسی نمونه‌هایی از آثار ادبی در تاریخ ادبیات معاصر، به نقش‌های فراگفتمان فرهنگی-منتقدانه، ضدگفتمان تخیلی و میان گفتمان الحاق مجدد، پرداخته است که نتیجه مقاله، حاکی از آن است هر سه کارکرد نامبرده در ادبیات می‌تواند در برجسته‌کردن و جلوگیری از مخاطرات زیست محیطی که به دلیل جنبه تدریجی بودن آن از چشم یک نسل پنهان است، نقش قابل توجهی داشته باشد (پارساپور و حسن‌پور ۱۴۰۱: ۲۴۹).

در پیوند با نقد بوم‌گرا در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به نسبت رویکردهای پژوهشی دیگر فعالیت پژوهشی چندانی صورت نگرفته است. مسیح ذکاوت (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان درآمدی بر بوم‌فمنیسم: مطالعه موردی دو دوست و دیلینگ دیلینگ با معرفی رویکردهای فمینیسم در حوزه‌های ادبی با کاربری آن در ادبیات کودک ایران، جنبه‌های جدیدی از آن معرفی و آشکار کرده است. مقاله مذکور به این نتیجه رسیده است که دیلینگ-دیلینگ رابطه زن-طبیعت را به شکلی سنتی و غیرنقاد و بدون به چالش کشیدن آن بیان می‌کند (ذکاوت، ۱۴۰۱: ۵۶).

زهره اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی مضامین زیست محیطی در آثار کودک و نوجوان در ادبیات فارسی بر اساس نقد بوم‌گرا از خلال مطالعه: هوشمندان سیاره اوراک، رمان فریبا کلهر به زبان فرانسوی سه سؤال را مطرح کرده است که عبارتند از: نقش تصاویر تخریب طبیعت در آگاه‌سازی کودکان به نسبت محافظت از طبیعت چیست؟ آیا این اثر ارتباط انسان و محیط زیست را منتقل می‌کند؟ کلهر به چه صورتی تصویر تازه‌ای از طبیعت را منعکس می‌کند؟ در این مقاله بر اساس تئوری لارنس بویل و پیر شوتچه (Pierre Schütche & Lawrence Boyle) به جواب سؤالات پرداخته‌اند و ارتباط انسان و طبیعت را در کتاب هوشمندان سیاره اوراک مورد بررسی قرار داده‌اند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۶).

اصغر عیسی‌پور (۱۳۹۲) پایان‌نامه ارشد خود را تحت عنوان بوم‌گرایی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی به نگارش در آورده است. هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده موفق حوزه بوم‌گرایی است که توانسته است با استفاده از این نظریه، تصویر واضحی از فرهنگ مردمان زادگاهش (سیرچ) و کرمان برای مخاطبان به تصویر بکشد. نویسنده در این پایان‌نامه

موتیف‌های بوم‌گرایانه در آثار مرادی کرمانی را استخراج کرده و بر اساس این نظریه، آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد (عیسی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۵).

با توجه به جستجو در پایگاه‌های نمایه‌سازی مقالات و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، نشان می‌دهد تا این لحظه از نگارش این پژوهش، هیچ مقاله‌ای در رابطه با رمان‌های سیمرغ پدربزرگ من بود و توییک له سهر نانو نوشته نشده است. تنها چیزی که درباره رمان سیمرغ پدربزرگ من بود وجود دارد مطالبی است که در روزنامه‌ها یا نشریات فرهنگی و سایت‌های داخلی منتشر شده‌اند. تنها نوشته‌ای هم که در رابطه با کتاب توییک له سهر نانو نوشته شده است، پایان‌نامه دکترای مهدی احمدی‌خواه با عنوان بررسی تطبیقی ادبیات کودک و نوجوان فارسی و کردی است که در آن به رمان یاد شده اشاره‌ای داشته و آن را از لحاظ ساختار فرم، ساختار زبانی و بلاغی مورد بررسی قرار داده است.

۳. چهارچوب نظری

در پیوند با تاریخچه آغاز نقد بوم‌گرا، پژوهشگران نظریات گوناگون و متفاوتی عرضه کرده‌اند. گرتا جراد (Greta Gaard) در پژوهش‌های خود آغاز رسمی اکوکریسیسم را با تأسیس سازمان انجمن مطالعات ادبی و محیط زیست (ASLE) مقارن می‌داند (Gaard, 2008: 11). در ادبیات جهانی نیز، خیل عظیمی از نویسندگان به طبیعت و عناصر آن به عنوان مقوله‌ای بسیار مهم نگریسته‌اند و جلوه‌هایی از زیبایی‌های آن را در آثار خود گنجانده‌اند. در واقع این آثار ادبی زیست محیطی به زیبایی پیوند انسان با طبیعت پی برده‌اند و پیام اصلی آن این است که به ما نشان می‌دهد طبیعت را در زیبایی و انسجام خود حفظ کنیم و به خویشتن اجازه ندهیم آنچه که نمی‌توانیم خلق کنیم، نابود سازیم (Mishra, Sandip Kumar, 2016: 17). افزون بر این، امروزه شناخت کودکان نسبت به وضعیت موجود و حفاظت از محیط زیست، یکی از نیازهای اساسی است که بایستی بدان توجه کرد. چنانکه بوم‌شناسی در ساختار ادبیات کودکان می‌تواند بر میزان سواد زیست محیطی کودکان بیفزاید (Bhalla, 2012: 1). دفتر تحقیقات و توسعه آموزشی وزارت آموزش ایالات متحده آمریکا جزوه‌ای به نام "چه چیزی را می‌توانم به فرزند خردسالم در مورد محیط زیست بیاموزم" توزیع کرد. چنین فعالیتی بر این اساس است که آموزش محیط زیست در سال‌های نخست زندگی باید آغاز شود. نویسندگان این جزوه بر این باور بودند که «این گونه تجربیات، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مادام‌العمر نسبت به محیط طبیعی دارد» (Wahyuni, 2023: 88). چنین باوری بر این فرض

استوار گشته، نخست کودکانی که در سنین پایین و در معرض طبیعت و دغدغه‌های آن قرار نمی‌گیرند نمی‌توانند احترامی که در جامعه فراخور طبیعت و محیط زیست هست کسب کنند. فرضیه دوم و اساسی دیگر این است که تعامل با محیط بخش مهمی از رشد سالم کودک است (Bhalla, 2012:3). اگر کودکان ارزشگذاری در طبیعت را بیاموزند، بهتر می‌دانند چگونه از زیبایی‌های بکر طبیعت محافظت کنند. آنها در دوران تحصیلات ابتدایی خود چنین داستان‌هایی را در مدرسه یاد می‌گیرند. مادران برای خفتن آنها از لالایی نیز کمک می‌گیرند. آنها دوست دارند از والدین یا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ یا معلمانشان چنین داستان‌هایی بشنوند که در آن محیط فیزیکی نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین ادبیات ممکن است در خدمت آموزش محیط زیست نیز باشد. کودکان باید از چالش‌های جدیدی که امروز زمین-مادر ما با آن مواجه است آگاه شوند؛ چرا که شاکله ذهنی انسان در دوره کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین ضروری است از ادبیات به عنوان یکی از بسترهای فرهنگی و تعاملی در رابطه با ارزش‌گذاری مجدد در طبیعت بیاموزند که در نهایت کودکان به عنوان همشهریان زیست محیطی نقش ایفا کنند (Sandip Kumar, 2016:95).

با نگاهی به ادبیات داستانی کُردی، فارسی آثاری را می‌توان دید که در آن‌ها رگه‌هایی از طبیعت و زیست‌بوم در خلال نثرهای آن زبان‌ها وجود دارد که محور بیشتر آن‌ها بر مبنای ارتباط پر رنگ با دغدغه‌های زیست محیطی و حس تعلق به آن است. در این پژوهش با انتخاب دو اثر داستانی در ژانر رمان کودک و نوجوان سعی شده است به صورت تطبیقی محورهای اصلی و دغدغه‌های زیست محیطی موجود در این آثار مورد واکاوی قرار گرفته و ارتباط ادبیات کودک را براساس نظریه‌های زیست محیطی و بوم‌گرا مورد بررسی قرار بگیرد.

بسط واژه گفتمان در زبان فارسی در دهه اخیر در میان علوم مختلف، بازتابی از اهمیت این واژه در بسترهای متفاوت است. این واژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی بار معنایی تازه‌ای یافته که آن را به صورت مفهومی اساسی در قلمرو نقد و تحلیل ادبی و شناخت شناسی درآورده است و در حوزه فلسفه، معنایی ویژه به خود گرفته است. به ویژه میشل فوکو (Michel Foucault) آن را به صورت مفهومی محوری در تحلیل‌های اجتماعی و تاریخی خود درآورده و بار معنایی بنیادینی به آن بخشیده است که در قلمروهای گوناگون علوم انسانی به کار می‌رود. البته کاربردهای این واژه در رشته‌های مختلف علمی و فلسفی نزد دانشمندان گوناگون بارهای معنایی مختلفی به آن داده است که می‌بایست با توجه به زمینه کاربرد آن در هر رشته‌ای معنای آن را دریافت. با اینکه واژه گفتمان در رشته‌های

علوم انسانی با هاله‌ای از تفاوت و گوناگونی به کار می‌رود، ویژگی بارز آن را می‌توان هدفمندی اجتماعی آن دانست؛ یعنی کاربرت زبان برای رساندن اندیشه‌ها، تبلیغ ایده‌ها و اثر گذاشتن بر رفتار و ذهنیت دیگران است. به تعبیری دیگر گفتمان، همواره میان کنشی و ارتباطی است (آشوری، ۱۳۹۱: ۲۲۱).

در قلمرو زبان‌شناسی نیز تحلیل گفتمان از بحث تحلیل جمله همچون نمایشگر نظام زبان در حالت تجریدی، یا خارج از هر متن گفتاری یا نوشتاری، فراتر می‌رود و تکیه آن همواره روی یک "متن" است، حال چه متن گفتاری باشد یا نوشتاری (همان: ۲۲۳).

گفتمان آن دسته از مباحث مطروحه در حوزه زبان‌شناسی است که آن را با عنوان «زبان به مثابه عرف و کارکرد اجتماعی» می‌شناسند (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱۷). تحلیل گفتمان تنها در حوزه زبان‌شناسی کاربرد ندارد، بلکه در بسیاری از رشته‌های دیگر مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، نشانه‌شناسی، سبک‌شناسی و مردم‌شناسی به آن توجه شده و به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است.

نقد بوم‌گرا (Ecocriticism) متشکل از دو بخش Eco مخفف Ecology و Criticism است. نخستین بار در سال ۱۹۷۸ توسط ویلیام روکرت (William Ruckert) در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات و بوم‌شناسی: آزمایشی در نقد بوم‌گرا» به میان آورده شد. منظور روکرت از نقد بوم‌گرا «کاربردشناسی بوم‌شناسی و مفاهیم بوم‌شناسی در مطالعه ادبیات» بود (گلو تفلتی به نقل از پاساپور، ۱۹۹۶: ۵۶). نقد بوم‌گرا، برخلاف معمول در رویکردهای دیگر نقد (مثل جامعه‌شناسانه، نقد روانکاوانه، رویکرد تاریخی و غیره) موضوعی بینارشته‌ای است که ادبیات در یک سو و محیط زیست در سوی دیگر قرار دارد و مباحثی که در این رشته مورد بررسی قرار می‌گیرد ترکیبی از مباحث مادی (اکولوژی) و مسائل معنوی است که هر دو، یک مسیر برای رسیدن به هدفی معنوی دنبال می‌کنند که آن هم حفظ، مراقبت و ماندگاری انسان است (پاساپور، ۱۳۹۲: ۸۸). با این حال در این عرصه می‌توان بر پایه سه رویکرد موجود به واریسی مطالعه بوم‌شناسی پرداخت:

توصیفی: عمدتاً نگرشی تاریخی است به بخش‌های مختلف طبیعت و به توصیف گروه‌های پوشش گیاهی جهان نظیر جنگل‌های پر باران استوایی، توندرا و توصیف حیوانات و گیاهان و هم کنشی آن‌ها، درون هر یک از اکوسیستم‌ها می‌پردازد.

کارکردی: دیدگاه کارکردی غالباً به جهات پویایی و سیالیت رابطه‌ها می‌پردازد، این دیدگاه در پی آن است که مسائل مشترک بین همه یا غالب اکوسیستم‌ها را تشخیص دهد و تجزیه و تحلیل کند و به موازات آن نیز به بررسی جوامع مختلف با تمام ویژگی‌هایش می‌پردازد.

تکاملی: بوم‌شناسی تکاملی معطوف به مطالعه علل غایی و یا نهایی است، فی‌المثل علل تاریخی این که چرا انتخاب طبیعی به نفع آن سازگاری که هم اکنون بدان می‌نگریم تمام شده است؛ یا به تعبیر دیگر، رویکردی است که به موجودات زنده و روابط بین آن‌ها به عنوان محصولات تاریخی تکامل می‌نگرد (پارساپور، ۱۳۹۲: ۸۹).

از این رو، جهان طبیعت با همه تحولاتی که در آن اتفاق افتاده، آثار مخرب و آسیب‌زایی بر آن متحمل گشته است، بدین معنا مردمان از طریق روش‌های مختلفی توانسته‌اند برای حصول منافع فردی و اجتماعی از منابع متنوع طبیعت بهره‌جسته و بر آن تسلط پیدا کنند، بدین خاطر در چند دهه گذشته، دانشمندان عرصه‌های مختلف بویژه کسانی که در پیوند ادبیات کودک و طبیعت قلم زده‌اند، کم و بیش نگرانی‌های زیادی احساس کرده‌اند، چنانکه اصلان و بس (Aslan, E. U., & Bas, B., 2020: 711) در کارهای خود به تحلیل حالات روانی ناشی از تغییرات آب و هوایی می‌پردازند و اهمیت گنجاندن آگاهی اکولوژیکی در ادبیات کودکان را برجسته می‌کنند. چنین روشی می‌تواند به نگرش مسؤولانه‌تری نسبت به حفاظت از محیط زیست در نسل‌های آینده کمک کند و دیدگاه مثبتی را در ذهن کودکان نقش داد (Aslan, E. U., & Bas, B., 2020: 711).

نقد بوم‌گرا به ارتباط میان ادبیات و محیط زیست می‌پردازد. بدین معنا که این ارتباط از دو جنبه قابل بررسی است: نخست می‌توان آثار ادبی را با ملاحظات زیست محیطی بازخوانی و نقد کرد. از دیگر سو می‌توان آثار ادبی را با توجه به نگرش فرهنگی و فکری به محیط زیست پیوند داد.

در نقد بوم‌گرا تلاش می‌شود اصطلاح مکان که بیشتر با زمینه و محیط به شکل مترادف به کار می‌رود در حد مفاهیمی نظیر نژاد، طبقه و جنسیت اهمیت پیدا کند. یکی از دلایل توجه به زمینه در نقد بوم‌گرا این است که چنین شیوه‌ای در نقد ادبی با رویکردهای موجود دیگر را پیوند زنند. چنانکه در نقد ادبی گذشته توجه به زمینه مطرح بوده، وانگهی این عنصر، وضوح و گستره مورد نظر در نقد بوم‌گرا را نداشته است. در اغلب

نظریه‌های ادبی زمینه، گستره محدودتری در نقد بوم‌گرا را شامل می‌شود و در نهایت مساوی با جامعه تلقی می‌شود (پارساپور، ۱۳۹۲: ۳۵).

نقد بوم‌گرا مفهوم زمینه را نه تنها از حد صحنه و مکان فراتر می‌برد، بلکه آن را تا حد جهان بسط می‌دهد؛ چنانکه باید نگرینست که ادبیات در فضای زیبایی‌شناسانه فوق جهان مادی سیر نمی‌کند، بلکه در سیستم بسیار پیچیده جهانی، نقشی ایفا می‌کند که در آن انرژی، ماده و ایده و تفکر با هم در تعامل ناگسستنی هستند (Echterling, 2016:67). این دیدگاه پیوند بین نویسندگان، متون و نظام هستی را واری می‌کند. این خوانشی است که پیوند بین محیط‌زیست با ادبیات را برجسته می‌کند؛ چنانکه اگر ما به پیشینه ادبیات کودک نظر افکنیم، در می‌یابیم مفاهیمی که در حیات اجتماعی انسان جلوه‌گر شده، نموداری از پدیده‌های طبیعی در نظام هستی است. و این پدیده‌ها زمانی که در چهارچوب خیال، اندیشه و گمان آدمی سرشته می‌شوند لعبی احساس گونه به خود می‌گیرند. در آن صورت است که کودکان با شناخت این گونه مفاهیم، می‌توانند وجود خویش را در نظام هستی تصور سازند (Aslan & Bas, 2020: 78)؛ از این رو روسو (Jean-JacquesRousseau) معتقد است که خداوند، طبیعت را زیبا خلق کرده است و انگی بشر از طریق سلطه بر آن پیامدهای آسیب‌زایی بر آن متحمل کرده است؛ از این رو صرفاً از طریق بستر ادبیات و طبیعت نامأنوس می‌توان این خسارت را جبران نمود و آن را از نو بازنگری کنیم. به تعبیری دیگر روحیه کودکان صاف و منزله از هرگونه خشونت‌های اجتماعی و آسیب‌های زیست محیطی است؛ و این بشر است که از طریق حاکمیت بر طبیعت، تمام پتانسیل‌های بالقوه از آن را می‌ستاند. بدین خاطر است که کودک از همان پیش‌فرض‌های اولیه خویش که در طبیعت نهفته است، دوری می‌گزیند و باعث می‌شود که گسستی عمیق بین حیات اجتماعی کودک با طبیعت ایجاد شود (Bhalla, 2012: 69).

۴. بحث و بررسی

۴-۱. معرفی کتاب *توپیک له سهر ئاو*

توپیک له سهر ئاو اثر زانیار درخشانی است که در سال ۱۳۹۹، توسط انتشارات ریگا و در ۹۹ صفحه چاپ و منتشر شده است. دال مرکزی رمان، فضای طبیعی و بکر روستایی است که بوسیله سدسازی و پیامدهای آن تخریب شده و نظم گفتمانی جدیدی جایگزین می‌شود. مهاجرت ناخواسته، ترک تحصیل، بیکاری و ازدواج اجباری دالهای جدیدی

هستند که از طریق مفصل‌بندی گفتمانی هویت جدیدی ایجاد نموده و هویت سنتی وابسته به مفهوم زندگی طبیعی روستا را به حاشیه رانده است. متن از طریق تخاصم و ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی هویت مرتبط با ارزش‌های فرانسان‌گرایانه را برساخته است و آن را در تقابل با هویت پیشرفت‌گرایانه و تبعات منفی آن قرار می‌دهد.

۴-۲. معرفی رمان سیمرغ پدر بزرگ من بود

رمان سیمرغ پدر بزرگ من بود اثر فاطمه سمرقندی است که به صورت بازآفرینی فانتزی داستان سیمرغ منطق الطیر عطار به موضوع آلودگی محیط زیست می‌پردازد. این روایت، اطلاعات و آگاهی‌های زیادی در پیوند با محیط زیست و طبیعت به نوجوانان می‌دهد که در آن، کودکان، حکم سی‌مرغی دارند که در جستجوی سی‌مرغ هستند و نویسنده، اسم پرندگان داستان سیمرغ را با نام شخصیت‌های داستان عجین کرده است.

۴-۳. تحلیل گفتمان بوم‌گرایانه در رمان‌های مذکور

۴-۳-۱. توصیف طبیعت و نگاه ارزش‌مدارانه به آن

محیط بر زندگی اجتماعی مردم تأثیرگذار است و در تکوین فرهنگ مردم و جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع انسان به طور قابل توجهی تحت تأثیر عوامل طبیعی و جغرافیایی و زیر سلطه آب و هوا و محیط طبیعی قرار دارد. دوری و نزدیکی به منابع طبیعی، میزان محدودیت و دسترسی به آن‌ها و... در ذهن و افکار مردم و متأثر بودن آثار نویسندگان و شاعران از آن، امری عینی و انکارناپذیر است. در این‌جا ما با متونی سروکار داریم که کاملاً بازگو‌کننده محیط طبیعی خود هستند و می‌توان میزان تأثیرپذیری زیست بوم بر ذهن نویسندگان را دریافت (کیان‌پور، ۱۳۹۶: ۴۸). در رمان *توپیک له سهر ناور بعد* از گذشت چندین سال از وقوع جنگ، هنوز رگه‌هایی از آوارگی، ویرانی و کشتن افراد در آن باقی مانده است. این رمان یکی از روستاهای مرزی گُردستان را به تصویر می‌کشد. روستایی که با گذشت چندین دهه از پایان جنگ، هنوز مین‌هایش پاکسازی نشده و قربانی می‌گیرد. رمان، بازنمایی تصویر کودکانی است که برای بازی و گردش به دامان طبیعتی جنگ چشیده رفته‌اند، غافل از اینکه مین‌ها در کمین هستند و هر لحظه امکان دارد اتفاقی هولناک، طعم بازی را به کامشان تلخ کند.

نمونه کردی

شهو له گه‌ل سارو ده‌چینه سهر بانیجه‌که و سه‌یری مانگ و نه‌ستیره‌کان ده‌که‌ین. ناوایی بیده‌نگه و ته‌نیا ده‌نگی سیسرک و چه‌می به‌ر ناوایی و جارجاریش چه‌په‌چه‌پی سه‌گه‌کان دیت، ناوایی که‌وتووته داوینی کینوکی به‌رزوه و هه‌تا کو‌تایی به‌هاریش به‌فری ناچیتته‌وه. دیمه‌نینکی سه‌رسه‌وز و خو‌شی هه‌یه و نه‌ملاو نه‌ولای پره له داری چنار و گو‌تر. سارو ده‌لئت: "ئه‌وه هه‌موو شو‌نینک یه‌کی مانگیکیان هه‌یه بو‌ خو‌یان؟" (درخشانی، ۱۳۹۹: ۲۰).

برگردان به فارسی

شب همراه با سارو به بالکن می‌رویم و ماه و ستاره‌ها را نگاه می‌کنیم. روستا سوت و کور است و تنها صدای جیرجیرک و رودخانه روستا و بعضی وقت‌ها هم پارس سگ‌ها شنیده می‌شود. روستا در دامان کوه بلندی قرار گرفته است که تا ایام بهار برفش آب نمی‌شود. دارای منظره-ای سرسبز و خوبی است که اطرافش پر از درختان چنار و گردو است. سارو می‌گوید: "راستی همه جا، برای خودشان یک ماه را دارند؟"

در این بخش می‌توان بحرانی را که انسان‌ها برای زیست بوم به وجود آورده‌اند، دید. بحرانی که در زندگی آن‌ها تأثیر متقابلی بر جای گذاشته است. چندین دهه قبل افرادی مانند ادیت کاب (Edith Cobb) (۱۸۹۵ تا ۱۹۷۷) راشل کارسون (Rachel Carson) (۱۹۰۷ تا ۱۹۶۴) و هارولد سیرلز (Harold Searles) (۱۹۱۸ تا ۲۰۱۵) استدلال‌شان بر این بود که تأثیر طبیعت و تجربه آن، دوران کودکی را به طور جدّ تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و نقش بی‌بدیل و تعیین‌کننده‌ای در رشد فیزیکی، شناختی و عاطفی کودکان ایفا می‌کند. در این مرحله بسیاری از ویژگی‌های کودکان مانند علاقه، کنجکاوی و ظرفیت‌های کودکانه برای به دست آوردن دانش و فهم طبیعت به طور چشمگیری گسترش می‌یابد (رضازاده، ۱۵: ۱۴۰۰). در کتاب سیمرغ پدربزرگ من بود، نویسنده با به تصویر کشیدن منظره‌ای طبیعی و مجسم کردن آن در برابر چشمان کودک، سعی کرده دنیایی برایش متصور شود که از بین رفته و زندگی شهرنشینی فاقد آن است. «دور شدن از طبیعت و فرآورده‌های آن، به معنای دوری گرفتن از چیزی است که "من" از آن درست شده است» (عکاشه، ۱۳۹۹: ۲۶۱).

نمونه

سارک پاهایش را با احتیاط بلند می‌کند و از جوی خالی وسط کوچه می‌پرد. می‌گوید: «تو دیر به دنیا آمدی. باید پنجاه شصت سال پیش به دنیا می‌آمدی، آن وقت می‌توانستی هر قدر دلت می‌خواست از بوی کاهگل لذت ببری.» (سمرقندی، ۱۳۹۸: ۲۵).

در این جا چیستی و هویتی به تصویر کشیده شده که در گذشته مانده است و کیستی کودکانه‌ای را به نمایش می‌گذارد، زیرا هر کودک لازم است در زیست بومی پویا و در راه رسیدن به حالتی از توازن، تصویر یکدستی از دنیا و جسم خود را با هم ترکیب و خلق کند تا بفهمد کیست و در کجا قرار گرفته است (رضازاده، ۱۴۰۰: ۶۵). به این خاطر می‌توان گفت زیست بوم، در خلق کیستی و چیستی "من تأثیرگذار هر فرد" نقش بی بدیلی ایفا می‌کند؛ در واقع از زیست بوم می‌توان به عنوان مفهومی هویت‌بخش نام برد که در اوان کودکی هر فرد در ذهن‌ها نقش می‌بندد.

۴-۳-۲. استثمار طبیعت

کشمکش بین انسان و زیستگاه جانوری امکان دارد که باعث خسارت‌های جدی مالی و جانی برای انسان‌ها شود یا باعث مرگ حیوانات و در نتیجه زیستگاه و جمعیت‌های جانوری شود و آن‌ها را با تهدیدات و بعضاً نابودی روبه‌رو سازد (Kaboodvandpour et al., 2021; Mohammadi et a., 2019). رمان *توپیک له سهر ئاو* بازنمایی کنندهٔ مظلومیت جنگل است، جنگلی که قربانی زیاده‌خواهی انسان‌ها شده و در نتیجه، تأثیری که روی اکوسیستم گذاشته است. محتوای این بخش، ذهن خواننده را به سوی داستان درخت بخشنده اثر شل سیلور استاین (Shel Silverstein) می‌اندازد. یکی از روایت‌های معروفی که خود بیگانه شدهٔ کودک را به تصویر می‌کشد. این داستان، پسر بچه‌ای را توصیف می‌کند که از درختش درخواست‌های زیادی دارد، درخواستی که از درست کردن تاب و بازی با درخت آغاز می‌گردد و با بریدن شاخه‌ها و سپس تنه‌اش پایان می‌یابد. در این بینش ظالمانه از روابط انسان و طبیعت، درخت در فرهنگ مردسالارانه به جای مادری فداکار نقش‌آفرینی کرده است و روایت پسر بچهٔ خودشیفته‌ای را به تصویر می‌کشد که تمام درخواست‌هایی که از درخت دارد، زیاده‌خواهانه است تا اینکه چیزی از آن باقی نماند (Gaard, G. 1993:273) این روایت، نقش‌هایی را برای انسان و طبیعت تثبیت می‌کند که متقابل و پایدار نیستند. پسر کوچولو هرگز حق خود را برای درخواست بیشتر و نیز هویت خود را در پیوند با درخت/طبیعت زیر سؤال نمی‌برد.

نمونهٔ کردی

خه‌ل‌ووزیکی زۆر ده‌بینم. خه‌ل‌ووزیک که شه‌گهر پرۆیته سهر لووتکه‌که‌ی، وا ده‌زانیت که له سهر کیوئیکی به‌رزدا‌ی. کیوئیکی خه‌ل‌ووز! خه‌ل‌ووزیکی ره‌ش که هه‌موو شوئینیکی ره‌ش کردوه. له‌ولاتره‌وه به ماشینی گه‌وره گه‌وره داری سه‌وز

به ریشه‌ده دینن و دهیانخه‌نه نیو چالیکی پر له ناگر و دهیانکه‌ن به خه‌لووز. لی‌ره
دووک‌ل هه‌موو شو‌تیک‌کی داگرتووه. ته‌نانه‌ت هه‌وره‌کانیش ره‌شن
(درخشانی، ۱۳۹۹: ۷۷).

برگردان به فارسی

زغال زیادی می‌بینم. زغالی که اگر بر قله آن بایستی، فکر میکنی که روی
کوهی بلند قرار گرفته‌ای. کوه زغال! زغالی سیاه که همه جا را سیاه کرده
است. از آن طرف‌تر ماشین‌های بزرگ از ریشه درختان را می‌کنند و به
درون چاله‌ای پر از آتش می‌اندازند تا آن‌ها را تبدیل به زغال کنند. دود
همه جا را فرا گرفته است. حتی ابرها هم سیاه هستند.

در این رمان برخلاف داستان سیلوراستاین، خود بیگانه شده افراد بزرگسالی به تصویر
کشیده شده است که با جنگل در پیکار و خودخواهانه در صدد نابودی آن هستند. در رمان
سیمرغ پدربزرگ من بود نیز درخت، نقش مهمی ایفا می‌کند. در این رمان هم نقش آره و
تبر به عنوان دو عامل نابودی جنگل‌ها توسط انسان‌ها برجسته شده و جنگلی که توسط
مردم به زباله‌دانی تبدیل شده است.

نمونه فارسی سیمرغ پدربزرگ من بود

می‌گفت جنگل را به خاطر صدایش دوست دارد، انگار پرنده‌ها با درخت‌ها
حرف می‌زنند. درخت‌ها دست‌هایشان را باز می‌کنند، آن‌ها را بغل می‌کنند
و برایشان لالایی می‌خوانند. می‌گفت آره و تبر بیشتر از این‌که کابوس
درخت‌ها باشد، کابوس پرنده‌هاست. حالا ما داشتیم در کابوس پرنده‌ها راه
می‌رفتیم (سرمشقی، ۱۳۹۸: ۶۷).

در این رمان درخت را به عنوان نمادی برای زندگی و نیستی آن را عدم زندگی
می‌بینیم. درختی که بخشنده است و نماینده یک اقلیم طبیعی و سرسبز است که مدام
کابوسی که خیلی اوقات به واقعیت می‌پیوندد، آن را تهدید می‌کند.

در رمان *توپیک له سهر ناو* اقلیمی را نظاره‌گر هستیم که هر لحظه در ورطه نابودی
قرار می‌گیرد. رمان بازگوکننده معضلی زیست محیطی در زاگرس هستش که هر روزه برای
طبیعت و اقلیم آنجا اتفاق می‌افتد. ما در این رمان زندگی زیسته نویسنده را می‌بینیم که

به نوعی با استفاده از محیط و تجربه زیسته خود، مشکلات و تخریب‌های زیست‌محیطی که طبیعت را به چالش می‌کشد را به تصویر کشیده است.

نمونه گردی

ههتا ئیواره لهم پشتهوه خهریک کارم و یه‌ک له دوا‌ی یه‌ک گوشتی پر ده‌کم.
ده‌لایی له‌گه‌ل ئه‌و کیوه خه‌لوزدها به‌شه‌پر هاتووم. یان ده‌لایی به دوا‌ی شتی‌کدا
ده‌گه‌پریم که له میژده لیم ون بووه و نایدوزمه‌وه. ههر بی‌لایک خه‌لوز که هه‌لده‌گرم
وا ده‌زانم ئه‌و شته له ژیریدایه. لاستیکی دووچه‌رخه‌یه‌ک، ئاوینه‌یه‌ک، له‌تیک
هه‌ناری سوور و شیرین، بووکه‌شووشه‌ی مندالیک، پینووسیک و هتد
(درخشانی، ۱۳۹۹: ۷۷).

برگردان به فارسی

تا عصر در آن پشت مشغول کار هستم و یکی یکی گونی پر می‌کنم. انگار با
این کوه زغال در حال جنگ هستم. یا انگار دنبال چیزی می‌گردم که مدت
زیادی است، گمش کرده‌ام و نمی‌توانم پیدا‌یش کنم. هر بیل زغالی که بر
می‌داریم احساس می‌کنم که آن گم‌شده‌ام در زیر آن قرار گرفته است.
لاستیک دوچرخه‌ای، آینه‌ای، تکه انار قرمز و شبرینی، عروسکی کودکانه،
مدادی و ...

۳-۳-۴. حس تعلق به طبیعت

اقلیمی اندیشیدن، یکی از راه‌های برون رفت از مشکلات زیست محیطی است. در واقع
می‌توان از این طریق کاربردهای فرهنگی، اجتماعی و اندیشه‌ورزی در جامعه ایجاد کرد
که بتوان از طریق آن، ذهنیتی زیست بوم‌گرا در میان اجتماع به وجود آورد. این پرسش
که ما چگونه برای محیط زیست ارزش قائلیم، تعیین کننده این است که نقش و عملکرد
خود بر زمین را چگونه ببینیم یا برای به اشتراک گذاشتن این منابع با دیگران چگونه
رفتاری را داشته باشیم (کیان‌پور، به نقل از نبوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). تجسم عشق و
بازنمایی آن در جلوه‌های طبیعت، در رمان *توپیک له سه‌رائو*، یکی از ویژگی‌های بارز رمان
است.

نمونه کُردی

پوژنیک پینش ئەویدی برۆمه پشت خانووه‌که و دەست بکه‌مه‌وه به کار، له نێو ئەو هه‌موو داره سه‌وزه‌دا که ده‌یان‌هێنا و دایانده‌گرت، دارێک به‌رچاومی گرت. لقیکی هیشتا هیلانه‌که‌ی پێوه مابوو. پر بوو له په‌ر و بالێ بولبول. هیلانه‌که‌م هه‌لگرت و نام به سنگمه‌وه. بۆنی به‌هار و چریکه‌ی خۆشی دده‌ا. به ناوچه‌دی داره‌که‌یشدا ملوانکه‌یه‌کیان به‌ستبوو. له دوو گۆشه‌ی ملوانکه‌دا نووسرا‌بو "سروه و عه‌به" نه‌مه‌یشت هیلانه‌که و ملوانکه‌که به‌خه‌نه نێو ناگره‌که‌وه. ملوانکه‌که‌م کرده‌ مالم و هیلانه‌که‌یشم له‌گه‌ڵ خۆم هینایه‌وه.

کا نه‌جه‌یش گوتی: وه‌لا ده‌لێن ئەم ئاوا‌ییه بریاره بکه‌وێته به‌ر به‌نداوی ده‌وله‌ت!

- به‌نداوی چی کا نه‌جه‌ه؟! ده‌ی چۆن؟!
- وا ده‌لێن وه‌لا. ئەم کابرایشه له لایه‌ن مه‌زینگه‌وه هاتوه. نه‌خشه و شته‌که‌ی نیشان خه‌لکیش داوه. ده‌لیت ئاوا‌یی ده‌ییت به ژێر ئاوه‌(درخشان، ۱۳۹۹: ۸۵).

برگردان به فارسی

یک روز قبل از اینکه به پشت بام بروم و کار را شروع کنم، در میان آن همه درختان سبزی که می‌آوردند و خالی می‌کردند، درختی توجهم را جلب کرد. یکی از شاخه‌هایش هنوز لانه‌ای روی آن بود. پر از بال و پر بلبل بود. لانه را بلند کردم و بر سینه گذاشتم. به تنه درخت هم گردنبندی بسته بودند. روی دو گوشه گردنبند نوشته شده بود "سروه و عبدالله" اجازه ندادم که گردنبند و لانه را بسوزانند. گردنبند را به گردنم بستم و لانه را هم با خود آوردم.

به تصویر کشیدن بسته‌شدن گردنبند دو تا عاشق روی تنه درختی، نشان از تعلق خاطر مردم روستا و به تصویر کشیدن نقش امانتداری درختی که گردنبند روی آن بسته شده است. نقد بوم‌گرا برای بازنمایی ساختار ارزشی- فرهنگی انسان‌محور در تلاش است که نه تنها با شناخت بزرگی و اهمیت مستقل طبیعت غیر از انسان ارتباط داشته باشد، بلکه از جهت‌هایی دیگر، آن را به منبعی از ارزش‌های فرهنگی تبدیل می‌کند.

نمونه کُردی

به شه‌ودا هه‌ر خه‌وم لی ناکه‌وێت! له تاریکی شه‌ودا بێر له‌و مالا‌نه ده‌که‌مه‌وه که چۆن ده‌بن به ژێر ئاوه‌وه و نو‌قم ده‌بن...یان بیری ئەو دار گوێژ و هه‌نجیر و هه‌نار و سی‌فانه وا ئیدی چاویان به‌ خۆر ناکه‌وێته‌وه و بۆ هه‌تاهه‌تایه ده‌خکین! شه‌دان

هیلانه‌ی چوله که و هزار پهنجره و هزار گولباخی... قوتابخانه‌یه‌ک که ئیدی نییه و کتیبخانه‌یه‌ک که ئیدی نییه و کا عه‌به نییه و مانگا‌کانی نین و نه‌نکه سؤیبه نییه و هیلایا نییه و میرزا رحیم و که‌ره جوانه‌که‌ی نین و مندالان هیجیان نین! پوژنیک له دوا‌ی شه‌ره که ئاوی به‌نداوه‌که به هورورمه‌وه به‌ر دده‌ن، هیچ که‌س نازانیت زه‌مانیک ئیمه لی‌ره بووین و ژیاوین (درخشانی، ۱۳۹۹: ۹۰).

برگردان به فارسی

شب‌ها خوابم نمی‌برد! در تاریکی شب، به خانه‌هایی فکر می‌کنم که چگونه به زیر آب می‌افتند و غرق می‌شوند... یا آن درختان گردو و انجیر و انار و سیبی که دیگر خورشید را نمی‌بینند و برای همیشه غرق می‌شوند! صدها لانه گنجشک و هزار پنجره و هزار گل محمدی... مدرسه‌ای که دیگر نیست و کتابخانه‌ای که دیگر نیست و آقا عبه و گاوهایش نیستند و ننه ثویبه نیست و هلیا نیست و میرزا رحیم و الاغ زیبایش نیستند و هیچکدام از کودکان هم نیستند! یک روز بعد از اینکه آب سد را خروش زیادی رها کند، هیچ کس نمی‌داند زمانی اینجا بوده‌ایم و زندگی کرده‌ایم.

۱۰۴

ما در این‌جا با مفهوم انقراض نسل‌ها مواجه هستیم، گونه‌هایی که بهم وابسته‌اند و توسط انسان‌های زیاده‌خواهی روبه انقراض می‌روند. منقرض شدن یک گونه جانوری می‌تواند انقراض گونه‌های دیگر را به دنبال داشته باشد. در مقابل هم نجات گونه‌ای دیگر می‌تواند صدها گونه دیگر را از انقراض نجات دهد.

نمونه فارسی سیمرغ پدر بزرگ من بود

اما رودخانه آب ندارد. بیشتر شبیه مرداب است، شاید هم باتلاق. هیچ وقت فرق این دو را خوب نفهمیدم. دلم می‌خواهد از سارک بپرسم. بوی تعفن بینی‌مان را پر می‌کند. سارک با گوشه مقنعه بینی‌اش را می‌گیرد. می‌گوید: «بوی لاشه می‌آید.» (سرمشقی، ۱۳۹۸: ۵۷).

نمونه فارسی سیمرغ پدر بزرگ من بود

چند قدم جلوتر که می‌رویم، نفسمان می‌خواهد بند بیاید. چطور چنین چیزی ممکن است. کف رودخانه به اندازه یک وجب آب هست، آن هم آب لجن بسته و سبز. ماهی‌ها بالا و پایین می‌پرند. دهانشان باز و بسته می‌شود و یک‌وری کف

رودخانه می‌افتند. کنار رودخانه پُر است از ماهی‌های مُرده و نیمه‌جان، ماهی‌های ریز و درشت. این‌جا همه چیز شبیه واقعیت نیست (سرمنشی، ۱۳۹۸: ۵۷).

۴-۴. پیوندهای منفعت طلبانه در مواجهه با زیست بوم

در پیوند ارتباط انسان و طبیعت چنین به نظر می‌رسد که انسان‌های نخستین با کمک اسطوره، پدیده‌های طبیعی را مورد خوانش قرار می‌دادند و ویژگی‌های انسانی را به آن‌ها می‌بخشیدند. چنین آشنایی و نزدیکی باعث می‌شد که انسان با جهان و طبیعت و محیط پیرامون خود بیشتر نزدیک شود. بسیاری از اساطیر به ویژه در دوره مهری، آفرینش انسان را از گیاه می‌دانستند به طوری که در داستان خلقت نخستین زن و مرد ریشه دارد که به شکل گیاهی به هم پیوسته رویدند. به همین خاطر زندگی و مرگ انسان و گیاه سه مفهوم از هم جدانشدنی هستند (خراسانی، داودی مقدم، ۱۳۹۸: ۷۰) به طوری که در مناطق کُردستان اهمیت ویژه‌ای به درختانی که در قبرستان‌های روستایی وجود دارند، داده‌اند. تا جایی که درختانی که در قبرستان‌های روستایی وجود دارند، دارای قدمت بسیار و بلوط‌های تنومندی هستند که از آن‌ها محافظت شده و همراه با فوت یک نفر دیگر، چند اصله درخت بلوط هم کنار قبرش می‌کارند.

نمونه کُردی

"یه کچی بووه. یه کچی نه‌بووه. کورپکی که‌چهل بووه که له گوندیکا له‌گهل نه‌کیدا ژیاوه. خاوهن ملکیکیش بووه که زهوی و زاری زوری بووه و پیازی چاندووه. روژنیک له روژان کابرای خاوهن ملک ده‌بینیت پۆلنیک قه‌له‌پدهش خه‌ریکن به پله‌پهل پیازه‌کان دهرده‌هین و ده‌یان‌خۆن. ئەو سالیشه وشکه‌سالی بووه. چهند که‌سیک له برسا مردوون." (درخشانی، ۱۳۹۹: ۲۹).

برگردان به فارسی

یکی بود یکی نبود. پسر کچلی در روستایی همراه با مادر بزرگش زندگی می‌کرده است. صاحب ملکی هم بوده که دارای زمین‌های زیادی داشته و پیاز کاشته است. یک روز از روزها مرد صاحب زمین مجموعه زیادی از کلاغ‌ها را می‌بیند که دسته جمعی دارند پیازها را می‌کنند و می‌خورند. آن سال هم خشکسالی بوده است، چندین نفر از گرسنگی مرده‌اند.

روایت‌های عامیانه باعث می‌شوند که فرد به جنبه‌های خودآگاهی، روانشناختی و فرهنگی نزدیک شود که در آن، خود را به عنوان بخشی از طبیعت و کیهان قلمداد

می‌کند. به همین خاطر چیزی که به عنوان دانش زیست محیطی مرسوم است، حاوی دو منظر مادی و غیر مادی است که به وسیله قصه‌ها بازتاب پیدا می‌کند و به وسیله قصه می‌توان آن‌ها را شناخت. با این وصف می‌توان از سرزمین به عنوان یک روایت نام برد که قصه‌های عامیانه به وجودآورنده مفهوم روایی هویت در پیوند با زیست جهان فرهنگی و طبیعی مردم در یک جامعه‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۵۳). در بخشی از رمان *توپیک له سر* ثاو، نویسنده بخشی از روایت داستانی عامیانه آورده است که در آن بحث زیست بوم و پیوندهای منفعت‌طلبانه آن را می‌توان تشخیص داد. روایتی که در خیلی از داستان‌های عامیانه و فولکلوریک گردی وجود دارد و می‌توان رگه‌هایی از آن را دید. با این وصف می‌توان نقش اساطیر و ادبیات عامیانه را در بازگویی و بازاندیشی مفاهیم مرتبط با زیست‌بوم در آثار ادبی مکتوب و شفاهی نظاره‌گر شد. در این رمان هم می‌توان یک نوع تقدس‌زایی که به شخصیت‌های پرنده من جمله بوتیمار و پرنده یاکریم داده شده است را دید. در رمان سیمرغ پدربزرگ من بود هم ما این نوع روایت را می‌بینیم که هر دو روایت به نوعی دارای اشتراکاتی هستند و می‌بینیم که در این رمان نیز به پرندگان تقدس داده شده است.

نمونه کتاب سیمرغ پدربزرگ من بود

یاد افسانه‌ای می‌افتم که پدربزرگ تعریف می‌کرد. بوتیمار ساعت‌ها تشنه کنار دریا می‌نشیند و نگران تمام شدن آب دریاست. یک شب برایمان تعریف کرد که در زمان‌های خیلی دور سه برادر به نام‌های موسی، تقی و کریم بودند که هر روز برای بازی از خانه بیرون می‌رفتند. یک روز تقی گم می‌شود. برادرها هرچه می‌گردند نمی‌توانند پیدایش کنند. آرزو می‌کنند یکیشان بال در بیاورد تا بتواند پرواز کند و تقی را پیدا کند. آرزویشان برآورده می‌شود و کریم تبدیل به پرنده می‌شود. اما هرچه می‌گردد، برادرش را پیدا نمی‌کند. حالا سال‌هاست پرواز می‌کند و می‌گوید موسی کو تقی و امیدوار است موسی نشانی از تقی پیدا کرده باشد (سرمشقی، ۱۳۹۸: ۳۶).

آن وقت ادامه می‌دهد: «وقتی نفت استخراج می‌کنیم، حتی اگر خیلی دقت کنیم و از دستگاه‌های بسیار پیشرفته استفاده کنیم، باز هم مقداری از آن هدر می‌رود و روی زمین می‌ریزد و به گیاهان آسیب می‌زند. گیاهان که آسیب ببینند به پرنده‌ها، حیوانات و حتی انسان‌ها هم ضرر می‌رسد» (همان).

۵. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که نویسندگان دو رمان بررسی شده، در تلاش بوده‌اند تا از طریق داستان‌های خلاقانه و جذاب، مفاهیم و ارزش‌های بوم‌گرایانه را به خوانندگان نوجوان منتقل کنند. این رمان‌ها به طور مؤثری به تعمیق فهم و آگاهی نسل نوجوان در مورد مسائل محیط زیستی و اجتماعی کمک می‌کنند و از طریق شخصیت‌های قوی و مستقل در رشد هویت و اعتماد به نفس نوجوانان مؤثر هستند. علاوه بر این، مطالعه این رمان‌ها نشان داد که ارتباطات انسان و طبیعت می‌تواند در قالب داستان‌های ادبی به خوبی بیان شود و اهمیت این ارتباط برای حفظ تعادل زیست بوم را به خوانندگان آموزش دهد. در رمان *توپیک له سهرئو* ویژگی‌های اقلیمی منطقه‌ای کوهستانی به وضوح دیده می‌شود. برای مثال وجود کوه، جنگل، مراتع و پوشش گیاهی خاص مناطق کوهستانی و حیواناتی که در دامان طبیعت آن منطقه زیست می‌کنند، ارتباط نزدیکی با انسان‌ها درست کرده است. در رمان *سیمرغ پدر بزرگ من بود*، نویسنده با استفاده از عنصر بازآفرینی ویژگی فابل‌گونه‌ای را به سی تا دانش آموز بخشیده که در راه رسیدن به سؤالاتی هستند که جزء دغدغه‌های زیست محیطی‌شان است. در نهایت تعدادی از آن‌ها با رسیدن به مقصد مورد نظر، همانند سیمرغ داستان منطق‌الطیر، به سؤالاتی که در باب مسائل زیست محیطی است می‌رسند. با توجه به یافته‌ها و نتایج بدست آمده در این پژوهش، می‌توان ادعا کرد که تحلیل گفتمان نقد بوم‌گرا در ادبیات کودکان و نوجوانان می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در شناسایی و ارزیابی آثار ادبی مطرح شود و ارزش‌ها و دیدگاه‌های بوم‌گرایانه تأثیر مثبتی بر رشد فرهنگی و اجتماعی نسل جوان بر جای گذارد.

منابع

- اسماعیلی، زهرا، مزاری، نگار، و عذرا قندهاریون. (۱۳۹۸). «بررسی مضامین زیست‌محیطی در آثار کودک و نوجوان در ادبیات فارسی براساس نقد بوم‌گرا از خلال مطالعه: هوشمندان سیاره‌ اوراق رمان فریبا کلهر»، *مطالعات زبان فرانسه*، ۱۱۰-۹۵.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۹۲). *نقد بومگرا (ادبیات و محیط زیست)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا. (۱۴۰۰). *اخلاق زمین: نقد متون عرفانی و ادبی با رویکرد اخلاق زیست محیطی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا، حسن‌پور، هیوا. (۱۴۰۱). «نقش ادبیات در تحولات گفتمان محیط زیستی»، *تاریخ ادبیات*، ۲۴۸-۲۴۹.
- جوانبخت، محمد، کیاورزمقدم، مجید، نیسانی سامانی، نجمه، زبردست، لعبت، و علی درویشی بلورانی. (۱۳۹۸). «مدل‌سازی مکانی-زمانی کیفیت محیط زیست شهری». *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)*، ۵۱ (۱) ۲۴۷-۲۲۹.
- حسن زاده، علیرضا. (۱۳۸۱). *افسانه زندگان؛ ج ۲*، تهران: نشر بقیه و مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- حسن‌پور، هیوا و زهرا پارساپور. (۱۴۰۱). «تحلیل گفتمان آگهی‌های بازرگانی بوم‌محور (مطالعه موردی: ایزی پیک، پاپیا، کریستال کوالا، آیری پلاست)». *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ* ۱۲۶-۱۰۷.
- خراسانی، محبوبه، و فریده داودی مقدم. (۱۳۹۸). «طبیعت در قصه‌های عامیانه ایرانی از دیدگاه نقد بوم‌گرا». *فنون ادب*، ۸۴-۶۹.
- درخشانی، زانبار. (۱۳۹۹). *توپیک له سهرئاو*. سقز: انتشارات ریگا
- ذکاوت، مسیح. (۱۳۹۷). «درآمدی بر بوم‌فمنیسم: مطالعه‌ی موردی دو دوست و دیلینگ دیلینگ». *مطالعات ادبیات کودک*، ۷۶-۵۵.
- رضازاده، ناهید. (۱۴۰۰). *بوم‌شناسی تخیلات کودکی*، مشهد: جهاد دانشگاهی.

سجادی، بختیار و بهاروند امان‌الهی. (۱۳۹۸). «انسان‌مداری در تقابل با زیست‌مداری: مواجهه سوژه‌های انسانی با محیط‌زیست در رمان چسپیکه اثر جیمز ای. میچر». *نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۲۳.

سرمشقی، فاطمه. (۱۳۹۸). *سیمرغ پدر بزرگ من بود*. تهران: نردبان
سوئل، دیوید، ترجمه گلنار محبعلی. (۱۴۰۱). *کودکی و طبیعت (اصول طراحی برای معلمان)*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

عکاشه، سمیر. (۱۳۹۹). *فلسفه زیست‌شناسی، ترجمه کاوه فیض‌اللهی*، تهران: فرهنگ نشر نو.

عیسی‌پور کهل‌بونی، اصغر. (۱۳۹۲). «بوم‌گرایی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی.

کیان‌پور، معصومه، و مریم‌السادات فیاضی. (۱۳۹۶). «مضامین زیست محیطی در اشعار گیلکی بر اساس رویکرد نقد بوم‌گرا». *ادبیات پارسی معاصر*، ۷ (۳)، ۴۳-۶۹.

نیس، آرنه، ترجمه نسترن خسروی. (۱۳۹۹). *بوم‌شناسی، اجتماع و سبک زندگی*. تهران: انتشارات بان.

Reference

Altheide, D.L. (1996). *Qualitative media analysis*, Thousand Oaks, Cal.: Sage Publications
Bush, T. (2004). *Theories of Educational leadership and Management: 4th edition*, London, Sage.

Aslan, E. U., & Bas, B. (2020). Ecocritical Approach to Children's Literature: Example of "I Am a Hornbeam Branch". *Educational Research and Reviews*, 15(12), 711-720.

Bhalla, A. (2012). Eco-Consciousness through Children's Literature—A Study. *IRWLE*, 8(2), 1-8.

Echterling, C. (2016). Postcolonial Ecocriticism, Classic Children's Literature, and the Imperial-Environmental Imagination in "The Chronicles of Narnia". *The Journal of the Midwest Modern Language Association*, 49(1), 93-117.

Eco-Consciousness through Children's Literature – A Study.
Bhalla, Ambika, IRWLE VOL. 8 NO. II, July, 2012

Faircloughd N. (1989). Language and power. London: Longman.
Van Leewend T. A. (1996). The representation of social actorsd in
Colthardd C. R. and Colthardd m. (Ed.)d Text and practice.
London: Routledge.

Gaard, G. (1993). Ecofeminism and Native American Cultures:
Pushing the Limits of Cultural Imperialism? In Ecofeminism:
Women, Animals, Nature. Philadelphia: Temple University Press:
295-314.

Greta Gaard .(2008). Toward an Ecopedagogy of Children's
Environmental Literature. Green Theory & Praxis: The Journal of
Ecopedagogy Volume 4, No. 2 (2008)

Kaboodvandpour, S., Almasieh, K., Zamani, N., 2021. Habitat
suitability and connectivity implications for the conservation of the
Persian leopard along the Iran–Iraq border. Ecology and Evolution
11, 13464-13474.

Mishra, Sandip Kumar. (2016). Ecocriticism in Children's
Literature: An Analysis of Amit Garg's Two Tales

Mishra, Sandip Kumar. (2016). Ecocriticism: A Study of
Environmental Issues in Literature. BRICS Journal of Educational
Research, 6(4), 168-170.

Mohammadi, A., Kaboli, M., Sazatornil, V., López-Bao, J.V.,
2019. Anthropogenic food resources sustain wolves in conflict
scenarios of Western Iran. PloS one 14(6), e0218345.

Wahyuni, Holy .(2023) .Ichda Potential of Fables as Learning
Resources for Environmental Education and Its Relevance to the
Merdeka Belajar Curriculum. Jurnal Pendidikan Indonesia
Gemilang Vol.3, No.1, 2023, pp. 87-96.